

سرشناسه: باومن، زیگمونت، ۱۹۲۵ - م. Bauman, Zygmunt
 عنوان و نام پدیدآور: آیا اصول اخلاقی در نیای مصرف‌کننده شانس دارد؟/ نویسنده زیگمونت باومن؛ مترجمان علی رحیمی، میترا نقی پورقزljه؛ ویراستار فاطمه بابایی.
 مشخصات نشر: تهران، فوژان کتاب، ۱۴۰۱.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۶۹-۰۸-۰
 مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: Does ethics have a chance in a world of consumers?, 2008.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۳ - ۲۲۴. یادداشت: نمایه
 موضوع: مصرف -- جنبه‌های اخلاقی
 موضوع: Consumption (Economics) -- Moral and ethical aspects
 موضوع: جهانی شدن -- جنبه‌های اخلاقی
 موضوع: Globalization -- Moral and ethical aspects
 شناسه افزوده: رحیمی، علی، ۱۳۶۴-، مترجم
 شناسه افزوده: بابایی، فاطمه، ۱۳۶۳-، ویراستار
 رده‌بندی دیویی: ۱۷۴
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا
 شناسه افزوده: نقی پور قزljه، میترا، ۱۳۶۱-، مترجم
 رده‌بندی کنگره: HC۷۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۱۶۷۲



نشر فوژان

آیا اصول اخلاقی در نیای مصرف‌کننده شانس دارد؟

مؤلف: زیگمونت باومن
 ویراستار: فاطمه بابایی
 طرح جلد: مریم مقدم سلیمی
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 بهاء: ۱۸۰ هزار تومان
 مترجم: علی رحیمی - میترا نقی پورقزljه
 صفحه‌آرا: مریم مقدم سلیمی
 نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۶۹-۰۸-۰

آدرس: تهران میدان انقلاب، خیابان لبافی نژاد، بین خیابان اردیبهشت (منیره جاوید)، نرسیده به کارگر جنوبی، کوچه درخشان پلاک ۲ واحد ۲

شماره تماس: ۰۶۶۴۹۰۲۰۹ و ۰۶۶۴۰۸۵۰۱ شماره همراه: ۰۹۱۲۶۸۶۰۹۲۳

WWW.FOZHANPUB.COM fozhan.pub@yahoo.com

فهرست مطالب

۹	مقدمه: تهدید یا فرصت؟
۳۳	فصل اول: اصول اخلاقی در دنیای جهانی مصرف‌کنندگان چه شansı دارد؟
۷۵	فصل دوم: قتل دسته‌ای یا میراث قرن بیستم و نحوه به خاطر سپردن آن
۱۰۱	فصل سوم: آزادی در عصر سیال - مدرن
۱۲۹	فصل چهارم: زندگی شتاب‌زده یا چالش‌های سیال - مدرن برای آموزش
۱۶۹	فصل پنجم: از چاله به چاه افتادن، هنر بین‌مدیریت و بازارها
۱۹۵	فصل ششم: قابل سکونت ساختن کره زمین برای اروپایی‌ها
۲۲۳	یادداشت‌ها
۲۳۵	فهرست راهنما

تهدید یا فرصت

این کتاب گزارشی از میدان نبرد است - نبردی برای یافتن شیوه‌های جدید و مناسب تفکر درباره جهان و زندگی است.

تلاش مداوم برای درک این جهان در واقع مبارزه بزرگی است - جهان، اینجا و اکنون به ظاهر آشنا است اما هنوز از غافلگیر کردن ما مضایقه نمی‌کند، چیزی را که دیروز صحیح می‌پنداشتیم، امروز انکار می‌کنیم در حالی که اطمینان چندانی نداریم از آنچه امروز در غروب آفتاب صدق می‌کند چه بسا در سپیده دم فردا تکذیب شود. می‌توان گفت مبارزه سختی است - و مطمئناً وظیفه‌ای دلهره‌آور و پایان‌ناپذیر - که هیچ وقت پایانی برای آن نیست. پیروزی نهایی در این مبارزه همچنان آن سوی افق فکری باقی می‌ماند و به طرز ناخوشایندی، امید رسیدن به درک درست از جهان کنونی حتی بیشتر از گذشته‌ای نه چندان دور، دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد - همانطور که افراد مسن به خاطر دارند اما تصور آن برای جوانان دشوار است.

به نظر می‌رسد زندگی آنقدر سریع در حال حرکت است که بسیاری از ما نمی‌توانیم پیچ و خم‌های آن را دنبال کنیم چه رسد به اینکه آنها را پیش‌بینی کنیم. برنامه‌ریزی مسیر و پایبندی به آن، تلاشی مملو از خطر است با این وجود برنامه‌ریزی بلندمدت کاملاً خطرناک به نظر می‌رسد. انگار مسیرهای زندگی به قسمت‌هایی تقسیم شده است. با تگاهی به گذشته هر گونه پیوند بین قسمت‌ها قابل مشاهده است به غیر از ارتباط علی و تعیین کننده آنها چنانچه وجود داشته باشد. نگرانی و هراس از درک معنا و مقصد این سفر به اندازه لذت‌هایی است که این دنیای پر از شگفتی وعده داده و این زندگی "آغازهای جدید" را نوید می‌دهد.

زمانی که در چنین شرایطی قرار گرفتیم و مجبور به انجام آن شدیم، وضعیت ما با «شبکه‌های مفهومی» که به ارث برده‌ایم یا یاد گرفته‌ایم برای درک واقعیت‌های دست‌نیافتنی یا با واژگانی که معمولاً برای گزارش یافته‌های خود بکار می‌بریم، بسیار دشوار است. زیرا از این مفاهیم و کلمات بسیاری که برای فهماندن معنا به خود و دیگران استفاده می‌کردیم، امروزه برای این هدف مناسب نیستند. ما به شدت به چهارچوبی جدید نیاز داریم، چهارچوبی که بتواند تجربه ما را به گونه‌ای سازماندهی کند و تطبیق دهد که این امکان را داشته باشیم منطق آن را درک کنیم و پیام آن را بخوانیم، پیامی که تا کنون نهفته، ناخوانا یا مستعد اشتباه خواندن بوده است.

در این کتاب با تلاش فراوان چنین چهارچوب اولیه و آزمایشی را فراهم نموده‌ام. نمی‌توانم وانمود کنم که این کتاب چیزی بیش از «گزارش شغلی» است: چیزی بیش از تلاشی برای درک تجسم جهان در حال تغییر، جهانی که به سرعت تغییر می‌کند و از توانایی سازگاری ما با آن و روش‌های فکر کردن و صحبت کردن در مورد آن بسیار سریعتر است. به جای اینکه راه‌حل‌هایی برای معماهایمان پیشنهاد کنم، باید پرسید این معماها چگونه شکل می‌گیرند (بر اساس چه نوع تجربه‌ای)، ریشه آن‌ها کجاست و برای کشف آنها چه سؤالاتی باید مطرح شود.

هدف من این است که به خودم و خوانندگانم کمک کنم تا ابزارهای شناختی مشترک خود را تقویت کنیم؛ به کمال رساندن نتایج شناختی باید به صورت ابتکار عمل خودساخته باقی بماند. بدون شک پیشرفت‌های بزرگ یا کوچک تفکر ما در مورد دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم برای تضمین تحقق امید به بهبود جهان و زندگی ما در آن کافی نخواهد بود اما این حقیقت دارد که بدون چنین پیشرفت‌هایی، این امید دوا می‌خواهد داشت.

برای توضیح اینکه این چهارچوب شناختی پیشنهادی چه چیزهایی را در بر می‌گیرد و احتمالاً در امتداد این مسیر با چه موانعی مواجه خواهد شد، اجازه دهید به ماجراجویی فکری گروهی از محققان انجمن جانورشناسی لندن نگاهی بیندازیم که برای تحقیق درباره زندگی اجتماعی زنبورهای محلی به پاناما رفته بودند. این گروه به فناوری پیشرفته‌ای مجهز بودند که حرکات ۴۲۲ زنبور را در ۳۳ لانه به مدت ۶۰۰ ساعت ردیابی و کنترل می‌کرد. محققان به کشف جدیدی پی بردند که کلیشه‌های چند صد ساله عادت‌های اجتماعی حشرات را دگرگون می‌کرد.

از زمانی که اصطلاح «حشرات اجتماعی»، ابداع و به کار گرفته شد (مقوله‌ای که شامل زنبورهای عسل، موربانها، مورچه‌ها و زنبورهای بی‌عسل می‌شود) جانورشناسان و عموم مردم باوری راسخ داشته‌اند که به ندرت تردیدی درباره آن مطرح شده است: اینکه «جامعه‌پذیری» حشرات، محدود به لانه‌ای است که به آن تعلق دارند — جایی که در آنجا متولد شده‌اند و غنایم فعالیت‌های منظم و پر خطر آذوقه‌یابی خود را به آنجا آورده و با بقیه ساکنان کندو سهیم می‌شدند. این احتمال که برخی از زنبورهای کارگر یا زنبورهای بی‌عسل از مرزهای بین لانه‌ای عبور و کندوی محل تولد را رها کنند و به کندوی منتخب دیگری بپیوندند (اگر تا به حال به آن فکر شده باشد) نامتناسب تلقی می‌شد. این امر تا حدودی بدیهی بود که «بومیان»، اعضای محلی و مشروع آن لانه بودند و در صورت امتناع از فرار، بی‌درنگ تازه واردان تکرار را دنبال و نابود می‌کردند.